

از تجربیات لیبی در زمینه
ملی کردن تجارت خارجی
استفاده میشود

اشتباهاتی که گاهی از دولتمردان سرهیز ند
آنقدر چیزی نیست که به جمهوری اسلامی ما
لطمہ وارد کند

بانوان اسلامی ما خجالت میکشیدند که با لباس اسلامی ولبایسی که در آن مراعات شده باشد طبقات ضعیف هم اگر این کار را میکردند خجالت میکشیدند در بین قشراهای فاسد مرffe برond، امرور امر بعکس است ویکی از آن اشخاصی که دارای آنطور کارهای فاسد و آرایش فاسد و خودنمایی های مفسد بودند آنها احساس شرم میکنند در بین شما. این تحول یک تحولی است که بالاترین تحول است در جامعه. جامعه ما از بعضی بانوان زمان محضرها و رضا برگشتند یهیک بانواییم که زنیب گونه شدنده و تابع فاطمه. آنروز تابع آرایش اروپائی بودند و باید از اروپا طرح لباس بباید. امروز تابع مکتب هستند و آنچه اسلام می پسندد مقبول است. و این یک تحولی است که بالاترین تحولات است در جامعه ما. نگهدارید این تحول را. توجه کنید به این که دستهای فاسد و قلم های فاسد و گفتارهای فاسد شما را به اغفال نکشانند و شما را برگردانند به حال سابق این راه را شما ادامه دهید و توده های میلیونی مردان ما هم ادامه دهنده و می دهنده و توده های میلیونی بانوان ما هم ادامه دهنده هیچ توجه به صحبت ها و قلم ها و سخترانی هایی که میشود نکنید و خودتان مستقل فکر کنید و تابع افکار دیگران نباشد و خودتان برای کشور خودتان کوشش کنید که مفید باشد و شما هدایت کنید مردان را و هدایت کنید و نصیحت کنید دولتمردان را، شما مادران خوبی برای اطفال باشید. و ناصحان خوبی برای جامعه و رحمتکشان خوبی برای مستمندان و هستید به حمدالله. شما جامعه ای که در سرتاسر کشور الان مشغولید برای همه اموری که کشور ما احتیاج به آن دارد سربرستی اطفالی که بی پناه هستند و خدمت به مستمندان ورفتن بیش آوارگان

خود تان مستقل فکر کنید و تابع افکار دیگران نباشید

بانوان داشت، بلکه جوانان مرد را هم همینطور
بگشتنندیه مراکز فساد و آنطور که میخواهند آنها را
تربيت کنند که اگر چنانچه کشورشان بدست هر کس
میفتد بی تفاوت باشند یا موید. اگر این نهضت
و انقلاب اسلامی هیچ نداشت جز این تحولی که
در بانوان و در جوانان ما پیدا شد این یک امری
بود که کافی بود برای کشور ما آنهاشی که در گوش
کنار به گوش اشخاص میخواستند که این انقلاب کاری
نجام نداد، اینها اشخاص هستند که این تحولی
که در شما پیدا شده است چون مضر بحال آنها
و قدرتمندی چپاولگر است، این را چیزی حساب
میکنند و با تبلیغات سوء شان بخواهند به شما بباورانند
باور بباورند که چیزی نشده است چه بهتر از اینکه
در یک چنین جلسهای که شما بانوان هستید و فعالیت
خلاقی و زحمت‌های همه‌جانبه برای مستمندان و برای
وارگان میکشید، از این تحول بهتر چه؟ اگر در روزیم
سابق بود نه این اجتماعات بانوان بود و نه این
فعالیت همه‌جانبه آنها که نیمی از جمعیت در ایران
هستند و این نیم آن نیم‌یک‌را هم تربیت میکند
نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است.

برای اینکه زنان، بانوان علاوه بر اینکه خودشان
یک قشر فعال در همه ابعاد هستند قشرهای فعال را
در دامن خودشان تربیت میکنند خدمت مادر جامعه
از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه‌کس
بالاتر است و این امری است که انبیاء میخواسته
میخواستند که بانوان قشری باشند که همه آنها
تربیت کنند جامعه را و شیرزنان و شیرمردانی بجامعه
قدیم کنند. لکن آنهاشی که میخواهند این کشور را
از همه موهاب محروم کنند، از موهاب اسلامی،
خلاقی، اعمال صالحه و آنها را بمراکز فساد بگشانند.
آنها هستند که الان که شما وارد شدید در جامعه و
خدمت بجامعه، می‌بینند که نقشهای آنها نسبت
به بانوان و نسبت به مردان باطل شده است از این
جهت فریاد آنها بلند است که چیزی نشده است
ازین زمان مثل زمان رژیم سابق است و هیچ تغییری
از زمان رضاخان و پیش از نگرده است. اینها تبلیغاتی
است که برخلاف آن چیزی که مشاهد است برای همه
بانوان سرتاسر کشور و مردان سرتاسر کشور چنین
تحولی که در انسانها پیدا شده است و آن ارزشی
له امروز در کشورهای اسلامی و خصوصاً "در کشور
ایران پیدا شده است این است که در رژیم سابق شان
مرتبت عبارت از آرایش مهوع و لباسهای کذا و
بنزلگاههای کذا بود و امروز ارزش، ارزش انسانی
است، ارزش اخلاقی است که بواسطه همین تحول در
شهر بانوان، دیگر آنهاشی که با آرایشها فاسد و
لباسهای فاخر میخواستند فخر فروشی کنند درین
جامعه نسوان ما محاکمند و خجالت‌زده‌اند آنروز

اطلاعیه دفتر ریاست جمهوری
در مورد صرفه جویی در مصارف
و روزی و کمک به حنگز دگان

امکانات مازاد برنیار
خود به حل مشکلات
موجود قسمتی از دین
خود را به جامعه و
انقلاب اسلامی ادانایند.
۳- حساب شماره ۸۸۸
ستاد کرسانی دفتر
ریاست جمهوری برای
دریافت کمکهای هم-
وطنان کماکان مفتوح است
با آرزوی پیروزی و موفقیت،
روابط عمومی دفتر ریاست
جمهوری ۲۵/۱۲/۵۹

اطلاعیه دفتر ریاست
جمهوری
وابط عمومی دفتر ریاست
جمهوری با انتشار
اطلاعیه‌ای از مردم
سلمان و متعهد کشورمان
 Roxwast کرد که در
 روز امسال از مصرف
 ش از حد احتراز کرده
 به حل مشکلات و
 خلوات هموطنان جنگ
 همان پیردازند.
 ن اطلاعیه بدین شرح
 بسمه تعالیٰ

بیانیه مهم امام برای حل بحرانهای موجود

مطروح ورسیدگی میشود و پس از تصویب تصمیم دراجرا با فرماندهی کل قواست و قوای مسلح باید اوامر ایشان را آجرا نمایند. ع برای رسیدگی به اشکایات نسبت به مسائل جنگ و سایر مسائل مورد اختلاف بین مقامات جمهوری اسلامی هیئتی تعیین خواهد شد مرکب از یک نماینده از طرف لان کشور با امام

این مقام بشناسند و فرماندهان قوای مسلح از ایشان برطبق مقررات اطاعت کنند.

۴- شورای دفاع به نحوی که در قانون اساسی است، معمول میشود و نمایندگان اینجانب آقای خامنه‌ای و آقای چمران میباشند.

۵- مسائل دفاع در شورا (شورای عالی، دفاع)

جلسه مشترک مسؤول

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دیشب با انتشار بیانیه ۱۵ ماده‌ای مهمی نقطه‌نظرات خود را پیرامون اوضاع جاری کشور و راه حل‌های خروج ازین بست فعلی و وظائف مسئولین درجه اول کشور، بیان داشتند.

در این بیانیه مهم که خطاب به ملت صادر شده است، اما بر اجرای دقیق مفاد قانون اساسی تاکید فرموده‌اند.

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هشتم ک مسؤولان کشور با امام

به اطلاع عموم میرساند
برای صیانت کشور و
جمهوری اسلامی در این
موقع حساس و برای حفظ
مالح اسلام و مسلمین
مطالب زیر ابلاغ میشود:

۱- معیار در اعمال
نهادها قانون اساسی
است و تخلف از آن برای
هیچ کس چه متصدیان
امور کشوری ولشکری و چه
اشخاص عادی جائز
نیست و متخلف به مردم
معرفی میشود و مورد
مواخذه قرار میگیرد بنا
براین دخالت هر یک از
مقامات در امور مربوط به
مقامات دیگر برخلاف
تائون است و دخالت -
کننده به مردم معرفی
میگردد.

۲- مقامات فعلی
ریاست جمهوری، دولت،
ریاست دیوانعالی،
دادستانی کل کشور،
مجلس شورای اسلامی،
شورای نگهبان قانونی
میباشد و کسی حق
ندارد در مصاحبهها و
نطقها و رسانهها به یکی
از این مقامات توهین و
یا آنان را تعزیز نماید
و متخلف به ملت معرفی
و مورد مواخذه قرار می-
گیرد.

۳- بهمان نحو که
آقای رئیس جمهور را به
فرماندهی کل قوا منصب
نمودم، باید ایشان را به
لازم باشد مجدداً مسئولان

۶۷ نظامی در عراق تیرباران شدند

۴۳۷ اطلاعیه شماره

جندها چند سکر
دشمن منهدم شد و چهار
تن از قوای عراقی کشته
و سه تن زخمی شدند.
در منطقه مریوان موضع
خیارهای داشتند.
در قوجلو و کانی میران
زیر آتش دقیق قرار گرفت
و خسارات و تلفات قابل
توجهی به ارتش صدام
وارد آمد.
در منطقه گیلانغرب
برادران رزمnde راندارم
دو نانک دشمن رامنده
کردند. طی عملیات
دیگری در سه جبهه از
مناطق درگیر جنگ در
غرب شه سکر دشمن، دو
خودرو، یک توب، یک
جرنیل، یک کامپون
حامل نفر نایدند و

چهارصدوسی و هفتاد
اطلاعیه ستاد مشترک
ارتیش جمهوری اسلامی
ایران دیشب بشرح زیر
انتشار یافت:

بسمه تعالی
قسمتی از فعالیتها و
عملیات رزمندگان
نیروهای مسلح جمهوری
اسلامی ایران و پارهای از
رویدادهای جبهه های
نبرد در ۲۴ ساعت گذشته
باین شرح به آگاهی
میرسد:

۱- جنوب کشور: شدت
آتش دشمن در جبهه های
آبادان از سایر مناطق
درگیر بیشتر بوده است.
در این جبهه قهرمانان
دلاور ما با گشودن آتش
بر روی موضع ارتیش

بن سور را اعدام و
کندین افسر را بازداشت
کرده است.

این روزنامه مینویسد
در میان بازداشت شدگان
فرماندهان لشکر و تیپ
از جمله یک ژنرال، دو
سرهنگ و یک سرهنگ
دوم دیده میشوند.
دستگیر شدگان عبارتند
از ژنرال ابدان فرمانده
لشکر سوم و سرهنگ
عزیزالعودیث فرمانده
لشکر ششم.

البعث افزود: یک
دانشجوی عراقی بنام
سعدالکریم در بازداشت
زیر شکنجه جان سپرده
و یک نویسنده ترقیخواه
بنام محمد سلطان حسن
و یک وزیر پیشین موسوم
به صالح‌الیوسفی نیز در

جمله سه خلبان و یکی از
بازیرسان قبلی بیداد
گاههای نظامی بعنیون
بغداد، طی هفته گذشته
حاکمه و اعدام شدهاند
ین منابع یادآور شدند
جساد اعدام شدگان بطور
خفیانه به جبهه های
منک آورده شده و چنین
آنmod شده است که در
نگ با رزمندگان ایرانی
شدهاند. براساس
ک گزارش دیگر طرف ۴۸
اعت گذشته اجساد
مهل تن از سربازان
رددور عراقی که در یکی
کانالهای آب دشت -
هاب پیدا شده بوسیله
بروهای ما بیرون آورده
پس از طی تشریفات
مل مذهبی بخاک سپرده

غروب کشور
جهههای ذهاب،
نیروهای مسلح جمهوری
لامی ایران در جبهه
لانغرب، پریش ضم
للاحت رسانیدن و مجروح
بن ۱۵ نفر از سربازان
اقی یک چادر مهمات
ستگ اجتماعی و دو
درو ارتش عراق را به
ش کشیدند.
گروهی از رزمدگان
لدم در یکرشته عملیات
ذی چند روز پیش به
 محل تجمع سربازان
من در ۱۲ کیلومتری
ک عراق عدهای از
ن را کشته و مجروح

تشخص

توکیدگی

از اوله باکامپیو تر و تر میم

بایانی و مصالح

بدون تعطیل

لوله باز کنی فوری

باسرویس های مجوز

اجاق گاز و آینکنک

۲۶۹۳۸۷

عیس آباد - مصدق

۸۵۱۸۸۶

سید خدابند - فارمک

۸۳۶۲۵۲

تهریفارس

۷۸۶۶۴۲

شرکت مهندس و اوت بارس

اوزانتراز همه جا

شبانه روزی

تخمیمه جاه

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۷۶۶۸۰۰

۷۶۳۷۹۹

۸۳۴۸۸۱

تخلیه جاه

فوری ارزان

تشخص

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۷۶۱۶۸۱

۳۳۰۷۷۷

تخلیه جاه

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۸۴۵۸۴۳

۸۴۶۲۵۶

فودی تا آنت

تخلیه جاه

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۳۴۸۹۸۸

تخلیه جاه

دایمی فارمک

لوله بازکنی

۹۲۱۳۶۱

تشخص

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۶۶۱۰۰۲

تشخص

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۲۶۱۷۷۰

۲۶۱۸۰

تشخص

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۹۳۳۰۷۶

تشخص

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۶۶۱۰۰۲

تشخص

تکنیک پرستیم

لوله بازکنی

۲۲۷۲۵۵

تشخص

تکنیک پرستیم

سیاست خارجی امام حسین (ع)

دیدگاه استاد سید ابوالحسن بنی صدر از:

تاریخی امام در همین راهپیمایی طولانی است که در ذهن و وجدان توده‌های بشری همچنان رسوب کرده و الان مثل اینکه جزی از خود ما شده است، به چه صورت؟ به این صورت که اگر آن راهپیمایی نبود شما بزور تکرار نیست که مقاعد شدید در کربلا به امام ظلم رفته است. به این دلیل نیست که ما معتقد به مظلومیت امام شدیم. دقیق که بشویم مبینید از این مدینه یک بیک این حجتها را تعام کرده تا به کربلا رسیده بصورتی که هر سؤالی شما داشته باشید برای این نهضت و حقانیت آنرا مورد تردید قرار بدھید. جواش را از مدینه تا کربلا برای شما دارد. همه تردیدها را رفع میکند. یعنی مگر شما بگویی کسی کاری به کارت نداشت پس چکار داشتی که از مدینه راه افتادی؟ برای این جواب دارد. چرا بطرف مکه رفتی؟ جواب دارد. چرا در کنه نیمه تمام گذاشتی و راه افتادی؟ جواب دارد. چرا این مسیر را انتخاب کردی؟ جواب دارد. چرا در کربلا به اینصورت عمل کردی؟ جواب دارد. همه یعنیها از نظر محاسبه ریاضی سیاست جواش دقیق منظم است. میشود گفت که این دلیل آن است دلیلش هم کاملاً "قانع کننده است اگر غیر از این و تردید فراوان ایجاد میشد و این نه برای ما که هجهت شیعه بودن امام را معصوم میدانیم، مسئله وشن است بلکه برای دیگران هم روش است، با بنکه در انتقاد حرکت امام تاریخهای زیادی هم وشنده اند اما بذیرفته نشده است. آنچه که برای بشر روز مسلمان و غیرمسلمان مطلب حل شده است این است که یک امام علیه یک نظام ظالمانه قیام کرده در این قیام مطلب خدشهذیر وجود ندارد.



آنچه در زیر از نظرگرامیتان میگذرد سخنرانی استاد ابوالحسن بنی صدر است که در تاریخ ۵۹/۹/۶ تحت عنوان "سیاست خارجی حسین (ع)" در حسینیه ارشاد ایراد شده است.

استاد بنی صدر در این سخنرانی پیرامون چنونی و فلسفه حرکت تاریخی امام به سوی کربلا و تبلیغ سیاست خارجی و روشی که امام حسین (ع) در کربلا پیگرفت، صحبت کردند.

* اگر بخواهی سیاستی را اتخاذ بکنی در برابر یک قدرت بزرگ، یک شرط ول دارد و آن این است که از حوزه ساورای ایثار عمل بکنی یعنی برای همه چیز آماده باشی و لذت‌هم ببری اگر بدینصورت نباشد نمیتوانی این امر را بکنی.

دوم اینکه لازم است برای انسان اریخی یعنی نسل‌های بشری تا قیامت ملل و اسباب و هدفهای نهضت روشن شد.

طلب به اینجا میرسد که در کربلا چرا آن تاکتیکها استراتژیها را امام انتخاب کرد و کار دیگری نکرد؟
نه، مذاکره با دستگاه قضوی دشمن بود اما نه مذاکره
بده و بستانی بلکه مذاکره "اعلام حقیقی" بود. یا
مانند قضوی دشمن گفتگو میکرد میگفت: بیا و به
ن حق و حقیقت که ما میکوشیم تسلیم بشو.
طلب با خط عمومی انتباط داشت. میخواهم بگویم
اگر مثلاً از بزید دستوری میرسید که صلحی با
ام امضاء کنید و چیزی بدھید که راضی بشود، امام
کربلا کسی نبود که این سازش را پذیرد.
دلایل و شواهد و نحوه گفتگوها نشان میدهد که
ام در همین گفتگوها هم در واقع برای انسان تاریخی
نمود برائت خودش را و سند ستگری دشمن را تهیه
نمودید. تا اینجا این مطلب روش است که اگر
مواهی سیاستی را اتخاذ بکنی در برابر یک قدرت
زرگ، یک شرط اول دارد و آن این است که از حوزه
برای ایثار عمل بکنی یعنی برای همه چیز آماده
شی و لذت هم ببری، اگر بدینصورت نباشد

میتوانی این کار را یکنی، میزند و آز بین میبرند
فاتحه هم برایت نمیخواستند.
نم اینکه لازم است برای انسان تاریخی یعنی
لهای بشری تا قیامت علل و اسباب و هدفهای
اخت روش باشد. اگر این روشنگری به اندازه کافی
عمل نماید شما مفت از دست رفتهاید چنانکه
سیاری از جنیشها مفت از دست رفتهند. باید کاری

هه در وجود پایدار بشری بصورت یک عنصر
هه از شعور انسان تاریخی دریابید تا بتواند جریان
تفییر بددهد یعنی جای ستمگری و ستمدیده را
ض بکند. ستمدیده پیروز بشود و ستمگر شکست
ورد. جنبش اگر بصورت یک عنصر زنده در وجود
هی همواره عامل بیدارکننده نباشد این جنبش
ش موفقی نخواهد بود. برای اینکه بصورت یک
صر زنده در وجود انسانی در بیاید باید اولاً
آن ابهامی نباشد، برای ذهن پسر روش باشد
نیا" با تجربه‌های تاریخی او سازگاری بجود.
هر یار که ست- ظال- خال-

آن در معرض از خود بیگانگی کامل قرار گرفت
ند این عنصر زنده را عامل یک حرکت انقلابی
ید بکند. اگر این خاصیت در آن حرکت نباشد،
حرکت زنده نمیماند و در وجود آن انسان عامل
ت و تحرک نمیشود. بعد از اینجا باید توجه
داشت که خود آن جریان مبارزه‌ایکه یک مرحله
بین میکند، چگونه منعکس بشود، کربلا چگونه
تاریخ منعکس بشود. شما امروز میدانید که دیگر
رتر از آنروز هم هست. راوی و مخبر حقوق باز
آن است چنانکه همین رادیو "بی‌بی‌سی" از قول
ک دروغ شاخداری گفته است وهر روز هم از این
عها بیگویند. عمل باید محلی برای قبول افتادن
دروغها نگذارد، وضوح و روشنی اش در حدی
و استمرار عمل بصورتی تامین شده باشد که

عمل دروغهایی که به او نسبت میدهند تکذیب
در شام تبلیغ زیاد کرده بودند که علی نماز
خواندو کافر است واولین کافری است که علیه
بر قیام کرده است . بصورتی که مردم شام برای
کی بخدا در ملاعه عام به امام ناسزا میگفتند
ات تا اینجا در ذهن مردم بی خبر گارگر افتاده
اگر در عمل امام ، عناصر مبهم و علمات سئوال
پیدا میشد ، این تبلیغات میگرفت و علی علی
بپود (گفته‌ناداین میرزا کوچک خان وقتی در بالای
سرمای آن شهید شد کسی رفت سربریده او را
ست کرفت و نگاه کرد و گفت این میرزا دیگر
نشوینست) اگر کار و عمل امام بر از نکات
انب مبهم بود و میشد درباره آن حرف زد این

A black and white photograph of a man from the chest up. He has dark, wavy hair and is wearing thick-rimmed glasses. He has a prominent mustache and is smiling slightly. The background is dark and indistinct.

بیانجامد اسیاب مادی پیروزی در کوتاه‌مدت فراهم نباشد. آیا باید تسلیم شد؟ یا برنامه پیروزی را در درازمدت ریخت، کدامیک؟ اگر بخواهی تسلیم بشوی سیاست اول و اگر بخواهی ایستادگی و مقاومت یکنی کدر طول تاریخ در مبارزه پیروز بشوی، میشود سیاست امام.

پس با قاطعیت باید ایستاد و جنگید و شهادت را هم پذیرفت و هیچ خم به ابرو نباورد.

یک سیاست سوم هم هست که آن این است که برویم آنجا بگوئیم که شما گفتید کدبائیید و ما را رهبری کنید حالا که نمیخواهید سیار خوب، ما نه جنگ با شما را طالبیم و نه حاضر هستیم تسلیم بشویم. میرویم در گوشاهای مینشیم و درویشی میکنیم. کوهی خانقه‌ای، مسجدی بالآخره جایی را گیر می‌آوریم و بقیه عمر را عبادت میکنیم. این هم نوعی سیاست است که خیلی رایج است.

این سیاست سومی فسادش بیشتر از سیاست دومی است برای اینکه آن سیاست دومی تکلیف رامعنی مکیند، مردم میدانند که معلم نمیمانند که حالا فرصتی میشود آقا می‌آید معجزه‌ای سکند.

به مناسبت محروم، اعزاز پاژندگان فرن اسلام و به مناسبت نزدیک شدن عاشورای حسینی و هم به مناسبت مبارزه بزرگ خلق ما بایک قدرت متجاوز بزرگ جهانی اینطور بنظر من رسید که بهتر است اهشب درباره سیاست از دیدگاه امام حسین (ع) رور شهردان صحت یکنیم. اینته ما سیاست خارجی را از دیدگاه امام بررسی میکنیم برای اینکه بزیدین معاویه برای امام هم یک دولت خارجی متجاوز سلطه‌گر بود.

درباره رویه در قبال بزید کتاب و نوشته و بیان بسیار است نظریه غالب نزد بخشی از مردم (بخشنده مهمی از مردم) در یک دوران طولانی که اصل را برگاریدیز و قبول آنچه برانسان واقع میشود، قرار داده بودند این است که امام بنای گار را برقراریانی- شدن و شهادت گذاشته بود. اما نویسنده‌ای که تاب شهید جاویدرا نوشته است، استدلال کرده که امام با این قصد که شهید بشود از مدینه راه نیفتاد، یا این قصد که وضع را دکرگون بکند از مدینه راه افتاد. خوب، بعد شهادت بیش آمد عده‌ای هم ناراحت شدند از این برداشت و به آن نویسنده حمله

سیاست درست و قوتی خصوصاً مبارزه از جهت تعداد و کمیت و کیفیت نظامی پر ابر نیست، نظامی سیاسی است، همان سیاست اول است. چرا؟ برای اینکه این سیاست جنگ بین دو قشون نیست. کوششی است برای اینکه انسان از طریق عمل راه را بر روش کردن فکر و عمل نسلهایکه از آن زمان بدینای هم می آیند، روش بکند و شرایط پیروزی را در یک دوره تاریخی فراهم بسازد. ناچار میدان و صحنه اصلی جنگ توده های بشری هستند. در آنجا است که باید اوردهند و داستانی ده پیش امد. مانند خواهیم وارد آن داستان بشویم.

به گمان من این نظریه ذرگذشته متضمن خطرات و خسارات زیادی بوده و هنوز هم است. این قربانی شدن با شکوه تمام به عنوان هدف نهضت حسینی از نظر من به امام، جفا و ناسیاپسی است به حقوق، برای اینکه این یک مهره طلیعی تمام عیاری است که کسی بخواهد در طول تاریخ مهر و محبت میلیونها بشر را به خود جلب بکند و برای جلب این محبت حاضر نشود به یک شفادت بیا آن مقدمات موقابله است.

* سیاست درست وقتی خصوصاً مبارزه‌ای جهت تعداد و کمیت و کیفیت نظامی برابر نیست، نظامی سیاسی است، چرا؟ برای اینکه این سیاست جنگ بین دو قشون نیست. گوششی است برای اینکه انسان از طریق عمل راه را بر روشن‌گردن فکر و عمل نسل‌های اینکه از آن زمان بدنبال هم می‌آیند، روشن‌گند و شرایط پیروزی را در یک دوره تاریخی فراهم بسازد ناچار میدان و صحنه اصلی جنگ توده‌های بشری هستند. در آنجاست که باید این جنگ را ببرد.

راه خواسته باشد به هدف خود برسد. این یک تاثیر منفی بروزهایه جامعه مابجا گذاشته است. چنانکه مثلاً اگر بگویی: باید علیه سلطه امریکا ایستاد و مقاومت کرد و کار و کوشش کرد، این یک نوع برداشت است. واکر بگویی که نخیر، مثلاً او حله کند و بینند و داغان کند. ما از بین می‌رومی اما حسین زمان خودمان می‌شویم ملت قربانی، ملت شهید، آیندگان برما خواهد گردید. یک چنین روحیه‌ای را سبب می‌شود نظر من آین است که امام چنین قصدی نداشته است که وسیله گردیهای تاریخی بشود که شما بنشینید براو بگرید در حالیکه او با آن شهادت شکوهمندی که بدمست آورد معلوم نیست اصلاً درخور گریه من و شما باشد. ما برای چه گریه بکیم. گریه برای کسی درمانده و افتاده می‌کنند. انسان ظفرمندی مثل او چ حاجت دارد به گریه من و شما، انسانی در موارد ایثار چ حاجت دارد به دلسوزی من و شما. خوبست که ما همینجا این مستله را روشن بکیم. گرچه یکبار دیگر در مکان دیگر هم من در این باره صحبت کردم.

وقتی یک جمع به آن حد از انسجام
به آن حداز یکرنگی رسید که خلوص
بدارد، این جمع میتواند در جنگ
تی جنگ یک صحنه تاریخ است،
تمام در آن پیروز بشود. یکی از جهات
روزی بزرگ صحنه نبرد کربلا همین
سئله است. یعنی روش میکند که
ی نفع و مقام و غیره در کربلا در
نطرف ماجرا نبوده است. هیچ
غف و تزلزل و تردیدی نبوده است.
خراستی چنان جنگی بگنی که اگر
م شهید شدی حتماً پیروز بشوی
زم است که آنها یکه می جنگند
آنند برای چه میجنگند و بخواهند
برای آنچه که میجنگند، بجنگند.

بایدگاری کرد که در وجود آن پایدار ری بصورت یک عنصر زنده از شعور مان تاریخی در باید تا بتواند میان را تغییر بدهد یعنی جای مگر و ستمدیده را عوض بکند، مددیده پیروز بشود و ستمگر شکست ورد.

ن سیاست را در پیش گرفت. راه افتاد در این
همایی طولانی که شاید نخستین راهپیمایی طولانی
خ بشری است از مدینه به مکه و از آنجا به کربلا
چرا این راهپیمایی را کرد؟ شما گمان نکنید
بنها در زندگی پسری بی سابقه بوده است قبل
از هم راهپیمایی بدینصورت بوده اما این طول و
بل را داشته است. شما بخواهید بروید در یک
ه تاریخی یک مبارزه تعیین کننده بکنی باید افکار
ی را آگاه بکنی. والا بی خبر چند نق و توق که
ی شد؟ بل، فلان روز پس پیغمبر از اینجا رد
ش عدهای عرب او را نشناختند و نفهمیدند
ند بر سر او احوالش را ببرند سر او را ببریدند و
به همینجا ختم می شد و تازه یزید یک چیزی
للبکار می شد. پس اگر می خواست جنگ را که به
ناطع باید جلوی احماء اسلام را می گرفت با
می فهمانند که برای چه به کربلا می رود و دیگر
کنگ و مبهم و ناشناخته برای کسی باقی نمی.
پس راه افتاد با طبل و داد و دهل و سرو
برای آگاه کردن افکار عمومی از حرکت تاریخی
ن. اینکه می گویند رهمه جا می گفت: من برای
ت می روم و مدام بهاو پیشنهاد می کردد که
اگر شماره را تاریخ این راهپیمایی کمی دقیق بشوید
بید عناصر اصلی خط مشی امام، خط مشی تبلیغی
نم شده، به لحظات آن لحظه های آخر که برای
زدن مجلس لازم بوده کل این جویان از مکه تا
مثل اینکه اصلا هیچ نبوده است. خوب، این
کاری قدمه ایست برای گردن. در حالیکه
نق که بشویم می بینیم عناصر اصلی حرکت

این جنگرا بیرد. پس اگر بخواهد در آنجا پیروز بشود دیگر نمیشود طوری عمل یکند که به اصطلاح "مو لای دروش برود" یعنی بعد بشود القای شبهه کرد که اینجا یاش زدویند بوده و آنجایش سازش بوده و بازی و لک بوده و ... با همه این حرفا طرف شکست خورد. این دیگر غیبیت ندارد و دیگر گو نمیشود این دیگر برای ما میزان و ملاک برای توده های مردم نخواهد شد. خوب، معنای این خط قاطعیت که امام در برایان ر دستگاه انتخاب کرد چه بود؟ و چیست؟

بیزید چه میخواست؟ بیعت می خواست! یعنی چه؟ مثل بیعت او، توجه یکنید مثل بیعت معاویه نبود بیعت او مثل بیعت رضا خان نبود، بیعت او مثل بیعت محمد رضا خان در انقلاب سفید بود. یعنی برنامه حکومت معاویه وارد مرحله جدیدی شده بود که در مرحله جدید آنطور نبود که کاری به نماز و روز مردم نداشته باشد مثل دوره اول ۲۸ مرداد، ده سال اول تا انقلاب کذابی (انقلاب سفید) به خیلی از امور مردم کار نداشتند اما وقتی، وارد انقلاب سفید شد

دیگر با همه چیز طرف کار دارد اختیار فکر و عمل و عبادت و همه چیز باید دردست او باشد. این برنامه را می خواستند اجرا بکنند پس این حق غیر آن حق سابق بود. در این مرحله امام باید چه روشی را اتخاذ می کرد؟ باید می ایستاد یا نمی ایستاد؟ یک وقوفی در سال ۵۰ یا ۵۱ بود که به نجف مشرف شدم این مباحثات در آنجا طرحو بود. صحبت دو شخص شد که امام با او صحبت کرد گفته بود که ما مبارزه را تا اینجا رسانده ایم و حالا باید امام داد طرف مقابل گفته بود شما چه کرده اید که تا اینجا رسانده اید و او هم گفت که ما یا یک جبار، یا یک طاغوت مبارزه کردیم، روش امام حسین (ع) را در پیش گرفتیم. آنطرف گفت: غیر امام حسین ما یازده امام دیگر داشتیم چطور شد شما بدون علم امامت روش این یک، داد، حصیل بکد و بیان شهادت اسباب جلب عطفت انسانها را در طول تاریخ فراهم بیاورد یا حتی مایل انسانها را به عدل وداد برانگیزد. برای اینکه انسانها باید آموخت که عدالت و برآبری و برادری مصلح و صفا بهتر از ظلم و ستم و نابرابری است. وختن با فعالیت میشود نه با قربانی کردن یا شدن روی مهرطبلی، اما طرف دیگر فضیه اینکه امام از تدا راه افتاد باعلم بهاینکه اسباب پیروزی فراهم شت و آمد به کربلا در آنجا اسباب پیروزی از دست شت و امام شکست و نتایج شکست را پذیرفت، این لریه نیز بنظر نمی رسد برای توضیح کار بزرگ امام کی و واپس باشد چرا؟ برای اینکه اولین اشکالی که آن وارد میشود این است که اگر برآمام اصل سلم ود که اسباب پیروزی جمع است خلاف منطقه بنظر

پیش گرفتیدر حالیکه همه ائمه علم امامت داشتند و این روش را در پیش نگرفتند. در آنجا من گفتم اطلاع تاریخی گوینده زیاد نبوده چون اگر بقیه بیکار بودند چرا همه آنها شهید شدند اگر مثل بعضی از مانها بودند که فقط به ذکر و محراب مشغول باشند دیگر شهادت لازم نداشت بلکه جایزه هم می دادند پس لابد کارهایی می کردند منتها این مراتب مرحله به مرحله فرق می کنید و وقت است که شما برنامه امضاء داری، برنامه از بین بردن داری. یک وقت است که برنامه خفغان داری این دوتا یک معنا ندارد رژیم اموی برنامه امضاء داشت. فرض کنید یک وقت است که امریکا منافعی در ایران دارد می خواهد کم و بیش آنرا حفظ کند. یک وقت است که برنامه اش این است که انقلاب را از بین برید، این دوتا یک معنا ندارد. اگر برنامه اش این بود که منافع را حفظ بکند، حالا می شود گفت یک زوری می زنیم و با هم سرمی کنیم (با بر قدرت آمریکا). اما یک وقت است که برنامه اش این است که این انقلاب بنیاد الیته اگر ما هم جای آن حجاب بودیم، همان آدم سلطهگر بودیم ناچار ماهم همین فکر را می کردیم، فکری کردیم این همه نفت و کشورهای اسلامی، انقلاب اسلامی بوسیله ایزوی نفت بیشتر است. بنابراین برنامه را گذاشتیم به امضاء این انقلاب، از بین بردن این انقلاب. خوب، حالا وقتی که بنابر امضاء است، سیاستی که با این سیاست روپرتو می شود غیراز وقته است که طرف بنیاش بر امضاء نیست بلکه بر انتیاز گرفتن است آن یک سیاست دیگر دارد، این یک سیاست دیگردارد. دستگاه اموی برنامه اش این بود که این اسلام را پوک بکند، محتوای این اسلام را از بین برید، آن سرنگ فساد را تزریق بکند و محتوا رسد که امام راهافتاده باشد. اگر انگیزه حرکت هم بودن اسباب بوده است. خوب، امام چرا نی اسباب فراهم نبوده راه افتاده است، این کمال را نمیشود گرفت.

شایا: شما در جریان سالهای گذشته که رژیم سابق خاص را به تلویزیون می آورد و از آنها همار ندامت می گرفت، بوده اید. در میاره شان اسباب را می سنجد اما یک لحظهای میرسد که ظهه انتخاب است که برسد به آنها و بگوید ما تا جا آمدیم حالا این اسباب فراهم نیست، چه کنیم؟ لیم بشویم؟ ندامت نامه امضاء بکنیم؟ یا بایستیم و بادت را بپذیریم؟ کدامیک؟ شاید انتقاد اساسی برو کتاب "شهید جاوید" بشود وارد دانست همین است که آینرا باید روش کرد. محاسباتی بوده، ملی بوده، حالا به کربلا رسیده و آن عوامل دیگر است چه باید بکند؟ چون عوامل نیست بنا را اورد به برگشت از قصد این حرکت انقلابی؟ یا بنا بگذارد بر مقاومت و استادگی تا شهادت؟ اینجا خط سیاسی روش است و یک خط سوم هم وجود دارد. یک خط سیاسی میگوید واقع بین باشید، ریم و رسیدیم عدهای به ما نامه نوشته بودند که و ما را رهبری کن و ما در رکاب تو چنین و چنان نیم. حالا که آمدیم خود آن سی غیرتها آمدند که را بکشند. دیگر کاسه داغتر از اش که نمیشود! ما بیم، حالمیکویندیگر نیخواهیم خوب، برمی کردیم یک سیاست است و اسفنش هم واقع بینی است.

یک سیاست دیگر این است که ما از آنجا که راه دیم صدر صدیقه بودیم که پیروز بشویم، دو ب داشت یک طرف اینکه بتوانیم جنبش را به روزی برسانیم و طرف دیگر اینکه جنبش به شکست

